

نگاه هفته

توافق بر سر کاهش تولید اوپک پس از ۸ سال



سعیده شفیعی، پڑوهشگر اقتصادی

● در دو روز گذشته با اعلام خبر توافق میان تولیدکنندگان اوپک، قیمت نفت برنت در بازارهای جهانی حدود سه دلار افزایش یافت و از ۴۶ دلار به حدود ۴۹ دلار در هر بشکه رسید. سبد نفتی اوپک هم با دودلارو ۱۳ سنت افزایش به ۴۴دلارو ۳۴ سنت رسید. پیش‌بینی‌ها حکایت از افزایش بیشتر قیمت نفت در صورت ادامه‌دادن روند این توافق دارد. کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند در صورت نرسیدن به توافق، قیمت تا سطح ۴۰ دلار در هر بشکه سقوط کند.

سه شاخص اصلی قیمت نفت

نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در نخستین ساعات روز جمعه سیام سپتامبر با متناژشدن از خبر حصول توافق تولیدکنندگان بر سر کاهش تولید، ۴۹دلارو ۲۴ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، یک‌دلارو ۵۷ سنت افزایش یافته است. شاخص «نفت وست تکراس اینترمدیم» (WTI) نیز در همین روز ۴۷دلارو ۸۳ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، یک‌دلارو ۵۱ سنت رشد نشان می‌دهد.همچنین بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه بیست‌ونهم سپتامبر به ۴۴دلارو ۳۴ سنت رسید که نسبت به روز مشابه هفته گذشته، یک‌دلارو هفت سنت و نسبت به روز چهارشنبه، دودلارو ۱۳ سنت بالاتر است.

توافق بر سر کاهش تولید نفت

روز چهارشنبه بیست‌وهشتم سپتامبر در حاشیه پانزدهمین اجلاس این‌المللی انرژی در الجزایر، نشست فوق‌العاده اوپک برگزار شد و درنهایت اعضای این سازمان بر سر کاهش تولید نفت از ماه نوامبر به توافق رسیدند. به گزارش رویترز و به نقل از فارس، اعضای اوپک با توجه به شرایط بازار نفت تصمیم گرفتند تولید نفت خود را در شرایط کنونی به ۳۲میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. میزان کاهش تولید نفت هر کشور بر عهده یک کمیته تخصصی خواهد بود تا پس از بررسی‌های لازم، در نشست عادی ۳۰ نوامبر (دهم آذر ماه) این سازمان، این ارقام را به وزرا اعلام کند. البته دبیرکل اوپک اعلام کرد سهمیه‌بندی کاهش تولید برای سه کشور ایران، نیجریه و لیبی به دلیل شرایط خاص، متفاوت خواهد بود. اعضای اوپک از سال ۲۰۰۸، همواره درباره کاهش میزان تولید جلسات متعددی برگزار کرده بودند که بدون حصول نتیجه به پایان رسیده بود. به گزارش خبرگزاری رویترز، ۱۴ عضو اوپک هم‌اکنون روزانه ۳۳میلیون و ۲۴۰ هزار بشکه نفت خام تولید می‌کنند که بر اساس مفاد این توافق، باید ۷۲۰ هزار بشکه در روز از تولید خود را کاهش دهند.

عدم کاهش تولید نفت ایران

بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، در حاشیه نشست فوق‌العاده اوپک اعلام کرد با توجه به شرایط خاص ایران و محدودیت تولید در سالهای گذشته، ایران تولید نفت خام خود را کاهش نخواهد داد. بنا بر گزارش بلومبرگ، ایران قصد دارد تولید خود را به سقف چهار میلیون بشکه برساند و براساس سخنان وزیر نفت، این افزایش تولید تا زمانی ادامه خواهد یافت که سهم ۱۳درصدی ایران از کل تولید اوپک (که قبل از تحریم‌ها در اختیار داشت) محقق شود.

پیش‌بینی‌های بازاری

پس از اعلام خبر توافق تولیدکنندگان اوپک بر سر کاهش تولید، قیمت‌ها حدود دو دلار افزایش یافتند و کارشناسان نفتی به آن واکنش‌هایی نشان دادند. بانک آمریکایی سرمایه‌گذاری کلدمن ساکس (Goldman Sochs) در گزارشی پیش‌بینی کرد با اجرای این توافق، شاخص‌های برنت و وست‌تکراس تا نیمه اول سال آینده میلادی بین هفت تا ۱۰ دلار افزایش را تجربه خواهند کرد اما به نظر می‌رسد اغلب کارشناسان درباره آینده قیمت‌ها به کوتاه‌مدت و میان‌مدت محتاطانه سخن می‌گویند زیرا میزان اثرگذاری این توافق بستگی به نحوه اجرای آن و میزان پابندی اعضا به کاهش تولید دارد. از طرف دیگر تولید کشورهای غیروپک نیز بر ثبات بازار نفت اثرگذار است و به شرایط کنونی به نظر می‌رسد تصمیم این کشورها همچنان با توافق کاهش‌دهنده عرضه اوپک نباشد. البته تاکنون درباره موضوع این غرض از تولیدکنندگان درباره کاهش تولید، خبری منتشر نشده است و باید تا اعلام نظر رسمی منتظر ماند.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت شاخص اسپات انرژی‌هاب (Henry Hub) به عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به سیام سپتامبر در سطح سه‌دلارو شش سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی ایلکسیسی (MMBtu) مبادله شد که نسبت به هفته گذشته، شش سنت افزایش یافته است.

ادامه از صفحه ۴

اگر برنامه نباشد، دولت کمتر پاسخ‌گو است؛ چون کسی نمی‌تواند چیزی بپرسد. از سوی مجلسی‌ها هم اگر برنامه نباشد، نمی‌توانند سؤال کنند؛ درعین‌حال اعمال منویاتشان را درباره حوزه‌های انتخاباتیان شاید نتوانند انجام دهند. اینکه نماینده‌ها نتوانند این برنامه را بهم بریزند، شاید برای دولت فرصتی باشد.

۷ از سیر تاریخی برنامه‌ها سخن گفتید. با بیان کردن این نکته که درحال‌حاضر وضعیت پیچیده‌تر است و رنگ و بوی تازه‌ای گرفته و شبیه دیکته نانوشته احکامی کلی ارائه می‌شود، این امر چقدر ممکن است میراث محصول اتفاق‌هایی باشد که در دولت گذشته رخ داد؟

به نظر ۸۰ درصد از ۳۰ حکمی که در این لایحه وجود دارد، بازآرایش مصوبات قبلی است؛ یعنی نوع این مصوبات را در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم داریم. این قانون باز تنظیم برخی مقررات مالی دولت که شماره یک و دو دارد. در واقع آن‌قدر حکم اقتصادی تصویب شده که هرکس آنها را بشناسد، متوجه می‌شود چقدر اینها با هم ناسازگارند؛ مثل نخی که مهره‌های متفاوتی را برای یک تسبیح سر هم کرده باشد؛ بنابراین این برنامه هم مانند گذشته است و بسیاری از اهداف و احکام آنها دوباره تکرار شده است؛ اما اینکه چقدر محصول دولت گذشته است، ممکن است ردپایی در برخی از آنها هم داشته باشد؛ مثلا گفته می‌شود اولویت ما آب، محیط‌زیست، معدن، صنایع معدنی، گردشگری، ترانزیت، حمل‌ونقل ریلی، انرژی و اشتغال، تامین منابع برای کشور و توانمندسازی محرومان و فقرا است. این موارد لزوما در دولت گذشته شروع نشده که به این دولت رسیده باشد. مثل جاده‌ای است که این دولت‌ها در برهه‌ای واردش شده‌اند. مثلا تامین منابع مالی و اشتغال مسئله همه دولت‌های ما بوده؛ اما بعضی دولت‌ها ممکن است مشکلاتش را تشدید کرده یا روان کرده باشند. شاید مواردی خاص دو دوره گذشته بوده باشد؛ اما ماهیت کار به گونه‌ای است که اگر همین اولویت‌ها را که ارائه داده‌اند، دست نزنیم، ۲۰ سال آینده هم همین‌ها هستند.

۷ تا به حال سابقه نداشته دولتی برنامه‌اش را به شکل احکام به مجلس تقدیم کند. دولت کنونی این جسارت را نداشته که این کار را انجام دهد. چقدر ممکن است رفتارهایی که در دولت گذشته اتفاق افتاده، نوع نگاه دولت‌ها را به کاری که باید انجام دهند تغییر داده باشد؟

خیلی رابطه‌ای نمی‌بینم. اعضای دولت کنونی به‌ویژه رئیس دولت، افرادی بوده‌اند که بیش از رؤسای جمهور گذشته در جریان مسائل کشور از راه مجلس و شورای امنیت ملی بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت هوشمندی‌های خاص خودشان را داشته باشند. پس بعضی از همان کارهایی که در دولت گذشته با سر و صدا و هیاهو انجام می‌شد، در این دولت با آهستگی و خفگی تر انجام می‌شود؛ هرچند کار همان باشد. فرض کنید تسویه بدهی‌های دولت به بانک‌ها از راه استفاده از تسعیر قیمت‌های بالارفته نرخ ارز، این کاری بود که دولت گذشته هم انجام داد؛ اما خیلی کلنگی عمل می‌کردند اما دولت کنونی طریف عمل می‌کند؛ با افزایش قیمت‌ها که تاکنون بارها قیمت برق، مخابرات و آب در دولت کنونی اضافه شده؛ اما گفته نمی‌شود؛ بلکه عمل می‌شود؛ پس ممکن است تجلی متفاوتی پیدا کند. من آدم‌ها را در گذر زمان نگاه می‌کنم که ببینم چقدر قانون‌گرا یا غیرقانون‌گرا هستند. میل به اینکه در منابع آن‌طور که باید دخل و تصرف شود، در دولت‌ها بوده است. دولت گذشته از راه به‌هم‌ریختن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و آن‌هم آقایی که داشت، این کار را کرد. همه می‌گفتند این کار برای این است که دست رئیس‌جمهوری باز باشد و راحت‌تر کار کند. در این دولت هم برنامه به این شکل ارائه شده است. نمی‌خواهم مقایسه کنم؛ اما ماهیت کار یکسان است و در هر دو شکل پاسخ‌گویی کم می‌شود. درست است که از نمایندگان مجلس انتظار کرده‌ام که به جای هم‌گرایی، واگرا عمل می‌کنند؛ اما حقیقت این است که ابزار پرسشگری از آنها هم گرفته می‌شود.

۷ در مدتی که برنامه ششم در دست بررسی بود، مجلس عوض شد؛ اما مجلسی‌های جدید هم مخالف وضعیت بودند و معتقد بودند باید اقدام‌هایی رخ دهد؛ اما ناگهان همان احکام در کمیسیون‌های برنامه تصویب شد و قرار است به‌زودی به صحن بیاید. به نظرتان چه اتفاقی افتاد که یکباره همه چیز تغییر کرد. به قطع اتفاق شگفت‌انگیزی در ارائه لایحه جدید به مجلس رخ نداده است.

می‌شود که شایک ممکن است نظر نماینده‌ها عوض نشده باشد؛ اما وقتی لایحه‌ای به مجلس تقدیم می‌شود، در عمل افراد بسیاری مسلوب‌الاجتیار هستند؛ یعنی رئیس یا هیات‌رئیس مجلس است که می‌تواند لایحه را اعلام وصول کند یا نکند. اگر رئیس اعلام وصول کرد، این کار وارد پروسه‌ای می‌شود و کسی نمی‌تواند آن را پیشگیری کند. ممکن است افراد غریب‌اند اما ناگزیرند و نمی‌توانند بگویند رسیدگی نمی‌کنیم. اگر به کمیسیون آنها رفت و رسیدگی نکردند، همان حرفی را که می‌توانستند بزنند دیگر نمی‌توانند. در مجلس بزنگاه‌هایی وجود دارد که اگر لایحه از آن مرحله عبور کند، دیگر نمی‌توان جلوی آن را گرفت؛ مانند تیر ایست که شلیک شده است. همیشه معتقد بودم مطابق آیین‌نامه مجلس، لایحه باید موضوعی مشخص داشته باشد. می‌گفتم لایحه برنامه که درباره مخابرات، اقتصاد، صندوق توسعه، آموزش عالی و بنیاد شهید و این‌همه هست، چندین موضوع است. شما از من نماینده می‌خواهید به کلیت آن رأی دهم یا ندهم. ممکن است من با یکی، دو مورد موافق باشم یا با موارد دیگری مخالف باشم. لایحه باید یک موضوع داشته باشد؛ مثلا

اقتصاد

هیچ نوری برپیشانی توسعه ایران نیست



عکس:

نویسنده رشتنی، شرق

بگوید درباره بیمه است و من تصمیم بگیرم به بیمه رای بدهم یا ندهم؛ بنابراین اگر هیات‌رئیس مجلس اعلام وصول نمی‌کرد، هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید چرا این کار را نمی‌کنید؛ اما وقتی اعلام وصول شده، مخالفت نمایندگان به جایی نمی‌رسد.

بگوید درباره بیمه است و من تصمیم بگیرم به بیمه رای

بگوید درباره بیمه است و من تصمیم بگیرم به بیمه رای بدهم یا ندهم؛ بنابراین اگر هیات‌رئیس مجلس اعلام وصول نمی‌کرد، هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید چرا این کار را نمی‌کنید؛ اما وقتی اعلام وصول شده، مخالفت نمایندگان به جایی نمی‌رسد.

یعنی شما معتقدید نماینده‌ها از ناچاری جزئیات را

تصویب کرده‌اند؟

می‌توانستند تصویب نکنند، ولی نمی‌توانستند رسیدگی کنند.

به نظر هم‌گرایی بین رؤسای قوه‌مقننه و مجریه در

این مقوله مؤثر است.

۷ نرخ نرخ کاری هفت درصد، نرخ رشد اقتصادی هشت درصد و تورم ۸.۹ درصد، اعدادی است که پیش‌بینی کرده‌اند. نمونه دیگر تسویه تمام بدهی‌های دولت است که به گفته آقای طبیب‌نیا ۶۰۰ هزارمیلیارد تومان است. به نظرتان این اهداف چقدر واقع‌گرایانه است و تا پایان برنامه حصول‌شدنی است؟ اهدافی که مشخص شده هم رویاگونه است.

به همین دلیل عرض کردم، بر پیشانی این مقوله نوری نیست. نکاتی را که درباره نرخ تورم و بی‌کاری فرمودید باید اضافه کنید گفته شده می‌خواهیم نرخ رشد هشت درصد داشته باشیم. این حرف خیلی غیرواقعی است، چون میانگین نرخ رشد بلندمدت ما بین سه تا سه‌ونیم در سال‌های گذشته بوده است بنابراین نرخ رشد هشت درصد حاصل‌شدنی نیست. فرض کنیم این اتفاق رخ دهد؛ یا منابعی که گفتند هر سال نیاز است، مثلا هر سال ۱۰۵ هزارمیلیارد تومان هزینه عمرانی شود، (اکنون حدود ۲۰ هزارمیلیارد تومان است چون منابعی موجود نیست)، اگر ۱۶۰ هزارمیلیارد تومان یعنی ۵۰میلیارد دلار از خارج قرض کنیم، ۱۰۵ هزارمیلیارد تومان هزینه عمرانی کنیم، ۵۸ هزارمیلیارد تومان از صندوق توسعه بگیریم، ۱۸۰ هزارمیلیارد تومان از بانک بگیریم و ۱۰۲ هزارمیلیارد تومان از شرکت‌های داخلی و باز همه اینها را که با هم خرج کنیم، هشت‌درصد رشد حاصل خواهد شد. این رشد هشت درصدی منوط به این است که این اتفاقات هر سال رخ دهد. اگر معجزه شود و این حجم پول در اقتصاد ایران خرج شود، ببینید چه تقاضایی دامن زده می‌شود. چون پول‌ها خرج می‌شود، مردم خرید می‌کنند و اقتصاد رونق پیدا می‌کند. در اقتصاد توأم با رونق که نرخ تورم به این صورت نمی‌ماند. یعنی باید با سیستم صحبت کرد. به‌علاوه اینکه عملیاتی‌شدن این ارقام ناممکن است. هر

سال ۵۰میلیارد دلار منابع مالی خارجی کجا استفاده می‌شود؟

۷ وقتی از منابع مالی خارج صحبت می‌شود استقراض است یا جذب سرمایه‌گذاری؟ همه چیز می‌تواند باشد. در قانون جذب و سرمایه خارجی، استقراض، فاینانس، بیع متقابل، سرمایه‌گذاری خارجی، این اعداد خیلی غیرواقعی است و نباید در کشوری که الان این همه دانشگاهی و نیروی انسانی تحصیل‌کرده دارد، ارقام به این

شکل منتشر شود، چون مقایسه می‌شود و وهن تشکیلات دولتی و مجلس می‌تواند باشد که این مسائل را تصویب کنند. یا مثلا بهره‌وری عوامل تولید متوسط سالانه ۲.۸ درصد رشد در نظر گرفته شده است. در ۲۰ سال گذشته، یک یا ۱.۱ درصد بوده است.

۷ احتمالا گفته می‌شود در برنامه اصلی راهکار در نظر

گرفته‌ایم. وقتی برنامه را ارائه نداده‌اند خبر نداریم این همان راه‌گیز است؟

البته برنامه نباید چیزی غیر از آنچه ارائه شده است، باشد.

۷ تصورتان این است که خود دولت هم چیزی بیش از این احکام کلی ندارد؟ به نظر بله، ممکن است بعد از تصویب به وزارت کشاورزی بگویند شما یک‌سری اعداد و ارقام را...

۷ مگر نباید این کارها را قبل از نگارش انجام دهند؟

چرا. اگر بود که به‌عنوان اسناد پشتیبان به مجلس ارائه می‌دادند که تصویب شود و این همه حرف‌وحدید نباشد. نرخ رشد هشت‌درصد یا تولید سرانه ۶۰۷ درصد را از محل ۴۰۰، ۲۰۰ معادله‌ای که یک مدل هم‌زمان به شما می‌دهد، به دست آورده‌اید که مثلا چرا ۶.۶ نه. اینها باید نتیجه محاسبات باشد، ولی وقتی منابع داخلی کشور را در نظر می‌گیریم چه نوشته شده باشد یا نه، این اعداد واقع‌بینانه نیست.

۷ مدتی است بسیاری از کارشناسان می‌گویند برنامه

در وضعیت فعلی پاسخ‌گوی نیاز اقتصاد کشور نیست.

به نظر شما همچنان به برنامه نیاز داریم یا باید راه دیگری را برای رشد در نظر بگیریم؟

اینها اشتراکات لفظی است. احتمالا منظورشان این است که اگر قرار باشد برنامه به این صورت که ارائه‌شده، باشد و واقعیتی نداشته باشد، ارقام حساب و کتابی نداشته باشند، بود و نبود برنامه فرقی ندارد. نظر خودم هم همین است. اما اگر غرض این است که چه کار کنیم که هدف‌ها مشخص و کم‌شده، منابع وپایانه‌شان شود تا بتوانیم منابع را به آنها تخصیص دهیم و چند کام پیش‌تر برویم و اسمش برنامه باشد، من می‌گویم بله به برنامه نیاز داریم.

۷ به نظرتان برنامه باید کوچک‌تر شود یا نوع نگارش تغییر کند؟ یا افرادی که به برنامه می‌پردازند تغییر کند؟

کشور وزارتخانه و سازمان‌هایی دارد که وظایف مصوب قانونی دارند و با اینها خودشان را اداره می‌کنند. بنابراین این‌طور نیست که اگر برنامه نوشته نشود، وزارتخانه‌ها ندانند چه کار کنند. وقتی از برنامه صحبت می‌کنیم یعنی برای رسیدن به اهداف بلندمدت، مثلا در یک دوره پنج‌ساله به برخی فعالیت‌ها، به طور عمده با اولویت توجه شود و آنها را تعریف کنیم. مثلا اگر می‌خواهم هدف بنویسم، می‌گویم هدف افزایش تولید است. یک هدف می‌توانیم و چند هدف فرعی می‌توانیم که هدف اصلی را تقویت کند. بعد می‌گویم برای رسیدن به این هدف چه منابعی باید داشته باشیم. این برنامه می‌تواند دو خط باشد یا چند صفحه. بعد باید گفت وزارتخانه‌ای که این‌کار را انجام می‌دهید، هدف ما در پنج‌سال آینده افزایش تولید است و شما باید که مقررات و قواعد و شیوه‌هایتان را به‌گونه‌ای عمل کنید که به افزایش تولید بینجامد. وزارت امور خارجه در روابط خارجی باید با دیپلماسی اقتصادی به تولید ما کمک کند. وزارت ارشاد، به فیلم و موسیقی و ادبیات که جایزه می‌دهید باید پایشان تقویت‌کننده این هدف باشد. اصلا تمام هدف ما این است که تولید اضافه شود. یک هدف اصلی با چند هدف فرعی برنامه است.

۷ در تصویری که ارائه می‌کنید، عملکرد، از ندوین اهداف مؤثرتر است. به نظرتان سازوکارهای لازم برای اینکه به این شکل برنامه اجرا شود، در کشور وجود دارد؟

البته برووکراسی یعنی سازمان اداری دولت، دچار مشکلاتی است. تردیدی در این مورد نداریم. منتها بخشی از مشکلات برووکراسی را باید به حساب تنوع و تعدد اهداف و اولویت‌ها هم گذاشت. وقتی دولت و کشور برنامه‌ای با اولویت‌های کم و تعداد کم ارائه کند، راحت‌تر می‌تواند بر اجرایش نظارت کند. درست است که شاید توانیم به اندازه نمره صد اجرا کنیم اما به اندازه نمره ۷۰ می‌توانیم اجرا کنیم. ناگزیر هستیم به این سمت برویم. مشکلات اجرا را کمتر می‌بینم تا فکر ندوین. کسانی که برنامه‌ریزی می‌کنند باید توسعه‌یافته و فکرها توسعه‌ای داشته باشند. شاید از این بابت کم داریم. در جاهای مختلفی در دولت هم هستند.

۷ چه باید کرد که این ساختار درست شود یا عزمی جدی بین همه سطوح جامعه برای اجرای برنامه به وجود آید؟

پاسخی که می‌دهم خیلی کاربردی نیست چون این پرسش فعلا پاسخ کاربردی ندارد. توسعه‌یافتن، جریان‌ی کند است که نیازمند زمان است. در همه‌جای دنیا هم که انجام شده، به همین شکل است. همیشه می‌گویم توسعه‌یافتن مانند سیبی است که روی درخت از مراحل کالی به تدریج از عوامل تغذیه، زمین، نور و آب عبور می‌کند تا به رسیدن برسد. این دوره گذار در هر مرحله‌ای از زمان، ویژگی‌هایی دارد. مثلا سیب یک‌ماهه یا دوماهه ویژگی‌هایی دارد. منتها سیب دوماهه حتما باید از یک‌ماهگی عبور کند. نمی‌شود در یک‌ماهگی ویژگی‌هایی مانند دوماهگی داشته باشد. ما جامعه‌ای در حال رسیدن‌هستیم. به نظر من توسعه‌یافتن است و هیچ‌گاه این کار را نکرده‌ایم این است که مقامات کشور بررسی کنند از مراحل کالی تا رسیده‌شدن، کجای راه هستیم. اگر بفهمیم در ماه ۱.۵ هستیم، می‌فهمیم برای تبدیل به ۱.۶ باید منابع و امکاناتمان چه باشد. چون نمی‌دانیم کجا هستیم، نقطه بالای رسیده‌شدن و کشورهای توسعه‌یافته را در نظر می‌گیریم و می‌خواهیم مثل آنها بشویم. خوب است مانند آنها شویم اما در مرحله کالی هستیم. بنابراین پول خرج می‌کنیم. کار هم می‌کنیم اما به اندازه نتیجه نمی‌گیریم. بنابراین عزم‌این است که ایران امروز را باید همان‌طور که هست نه آن‌طور که دلمان می‌خواهد باشد، بشناسیم. تلخ یا شیرین، ما مردمی از کار گریزان نیستیم. از کار لذت نمی‌بریم، با هم صادق نیستیم، مدرک‌گرا هستیم. حاضریم چهارمیلیون دانشجو داشته

باشیم ولی بلد نباشند مسئله حل کنند. باید خودمان را بشناسیم و اعتراف کنیم که در کجا هستیم. بعد بگویم دولت می‌خواهد این نقطه را به نقاط هم‌جوار برساند؛ نه اینکه بگوید من معجزه می‌کنم و همه مشکلات را حل می‌کنم. چون ناچاریم به مردم وعده‌هایی بدهید که محقق نمی‌شود و مردم متوقع می‌شوند. باید به مردم صادقانه گفت بیش از این نداریم. حقیقتان این است و تکلیفاتان این است که کار کنید. نمی‌شود کارمند دولت دچار فساد اداری باشد و حقوقش را اضافه کنیم. بنابراین راهکار اصلی، شناخت وضع موجود، شناخت ویژگی‌های آن و سیاست‌گذاری برای تغییر آن به نقاط اطرافش است. دیگران از آن وضع ما را به وضع جدیدتری می‌کشاند تا به جامعه‌ای رسیده تبدیل شود، غربی‌ها حدود ۲۰۰ سال زحمت کشیده‌اند تا به اینجا رسیده‌اند.

۷ اما کشورهایی مانند ترکیه، مالزی و کره حدود ۳۰ سال زحمت کشیده‌اند. ما هم ۳۰ سال است که در این وضعیت دست‌وپا می‌زنیم.

البته ما تجربه و دانش دیگران را داریم و حتما کمتر از ۱۵۰ سال غربی‌ها به زمان نیاز داریم. اما اگر هر کدام بخواهیم حرف خودمان را بزنیم، به همدفان نمی‌رسیم کم‌اینکه نرسیده‌ایم. بعضی‌ها با شرایطی اوضاعشان را عوض کرده‌اند؛ البته توسعه‌یافتگی نیازمند اتفاقات زیادی است. کشورهایی که اشاره کردید رشد اقتصادی نسبتا خوبی در گذر زمان داشته‌اند که نوید توسعه‌یافتگی هم می‌دهد. در توسعه‌یافتگی اتفاقاتی در طرز تفکر و شیوه‌های زندگی می‌افتد.

۷ بارها در کتاب‌های مختلف خوانده‌ایم که توسعه فرایندی همه‌جانبه است و اگر هر کدام از بال‌های توسعه اتفاق نیفتد، یک جای کار می‌لنگد اما رویکرد برنامه‌یافتی که در ایران نوشته می‌شود، بیشتر به رشد و پیشرفت اقتصادی توجه دارند تا فرایند همه‌جانبه توسعه. چرا این قصه به این شکل است و چرا کسی تذکر نمی‌دهد که نیازمند توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگ و هنر، ورزش و... هستیم. اینها بیشتر مسیر رشد اقتصادی هستند تا برنامه...

توسعه با برنامه‌ریزی به دست نمی‌آید. هیچ کشوری در دنیا برای رسیدن به توسعه برنامه‌ریزی نکرده است. تمام کشورهای غربی را که نگاه کنید، با برنامه توسعه جلو نیامده‌اند. عمدتا برنامه‌ها، برنامه رشد است. در برنامه رشد آدم‌ها توانمند می‌شوند؛ یعنی استعدادشان به کار گرفته می‌شود که کار کنند، تولید و درآمد داشته باشند و چون این امر استمرار پیدا می‌کند، وضعیتشان در گذر زمان بهتر می‌شود و درآمد سرانه‌شان بالا می‌رود. آدم‌ها خودشان بلد هستند چطور به خودشان بپردازند و لازم نیست در همه زمینه‌ها دخالت کرده و دستشان را بگیریم. وقتی من درآمد سرام‌ام بالا رفت و رفاه خانواده‌ام بیشتر شد، سعی می‌کنم به جای ۱۵ ساعت کار، پنج ساعت استراحت و در مسائل اجتماعی شرکت کنم و روزگامی بخواهم. باسواد باشم و بدگاهم و فهمم از زندگی عوض می‌شود. در نهایت به حقوق دیگران احترام می‌گذارم. نمی‌خواهم بگویم همه‌چیز اقتصاد است اما اقتصاد خیلی مؤثر است. در اسلام گفته می‌شود ستون دین نماز است. در جای دیگری پیامبر می‌فرماید خدا یا اگر نان نداشتیم، فرائض و مشکلات تو را انجام نمی‌دادم. من نان را نشانه اقتصاد می‌دانم. پیامبر می‌گوید اگر اقتصاد نباشد، واجبات انجام نمی‌شود که از جمله واجبات، نمازی است که ستون دین هم هست. این تعبیر بسیار مترقی‌ای است؛ یعنی نزدیک است که فقر به کفر منجر شود. یعنی اگر دین را هم جست‌وجو می‌کنید، باید در دل توسعه‌یافتگی و گریز از فقر به دین برسیم. جامعه فقیر از دین سرگرد نمی‌آورد. بنابراین نجات از نیازهای اولیه و اساسی شرط اصلی است که با رشد حاصل می‌شود. آدم‌ها باید یاد بگیرند کار کنند. وقتی کار کردند، وقتشان آزادتر می‌شود و می‌توانند خودشان را بهتر تربیت کنند، به‌تدریج دیدگاه‌هایشان عوض می‌شود و به هم احترام می‌گذارند. در دنازی و فقر است که کسی دیگری را نمی‌بیند. وقتی شما قابلیت دارید چه دلیلی دارد به من حسادت کنید؟ واقعا باید تلقی درستی از توسعه داشته باشیم. به‌جدا قائلم که اگر به‌خوبی کار و اوضاع اقتصادی‌مان را بهتر کنیم، به‌تدریج به توسعه می‌رسیم. لازم نیست دنبال توسعه برویم؛ این کار‌ها توسعه‌یافتگی خواهد شد. جمع‌بندی عزم‌این است که مشکلات کشور ما مشکلاتی عادی نیست؛ بنابراین راهکارهای عادی راه‌حل نیست. بزرگ‌ترین مانع ما نبود تولید است. باید موانع تولید را از پیش‌رو برداریم. موانع تولید در آماده‌شدن برای کار و دسترسی راحت‌تر به سرمایه است. نظامی که بانک‌هایش تجارت پول می‌کنند، نمی‌تواند به تولید مانع بزند. با قاطعیت معتقدم نظام بانکی رو به ورشکستگی ما تولید کشور را به ورشکستگی کشاند. هرکس می‌خواهد تلاش کند، به اندازه آنچه نظام بانکی سود علی‌الحساب می‌دهد درآمد ندارد. در کشوری مانند ایران که خشک‌سالی، تگرگ، سرمازدگی وجود دارد یا تحریم است، هیچ‌کس نمی‌تواند با اوج مشکلات اگر کار کنند، ممکن است ۱۲ درصد سود کنند درحالی‌که بانک‌ها ۲۵ درصد سود پرداخت می‌کنند. در این شرایط چرا تولید کنند؛ بنابراین سرانه تولیدمان اضافه نمی‌شود و بازتولید عقب‌افتادی می‌کنیم. بعضی‌ها گول مظاهر را می‌خورند و فکر می‌کنند خانه و ماشین شیک، توسعه‌یافتگی است درحالی‌که توسعه‌یافتگی دسترسی به تغییراتی است که پشت تکنولوژی قرار دارد و فهم آنها؛ وگرنه می‌توان مانند کشورهای عربی زندگی کرد و دلخوش بود. باید به این قضیه اعتراف و تمکین کنیم تا نجات پیدا کنیم؛ تا زمانی که از هم تعریف کنیم، خودسانوری کنیم، تا زمانی که دولت و مجلس از حزب‌ماست، بدی‌ها را نبینیم و نقد تعطیل باشد، جلو نمی‌رویم.

اقتصاد سبز

تأمین مالی مدیریت آب بخش کشاورزی در هندوستان



فاطمه باسبان، کارشناس کشاورزی

● در کشور هند، سهم کشاورزی در اقتصاد ملی در حدود ۱۵ است. اهمیت بخش کشاورزی از نظر اقتصادی و اجتماعی بسیار فراتر از این شاخص است. اول اینکه نزدیک به سه‌چهارم از خانواده‌های هند به درآمد روستایی وابسته هستند. دوم، اکثر افراد فقیر (۷۷۰ میلیون نفر یا حدود ۷۰ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند. سوم، امنیت غذایی هند بستگی به تولید محصولات زراعی و همچنین افزایش تولید میوه‌ها، سبزیجات و شیر با توجه به تقاضای جمعیت روبه‌رشد و افزایش درآمد دارد. از این رو به یک بخش کشاورزی رقابتی، متنوع و پایدار و هم‌پا با رشد و سرعت مناسب نیاز است. از طرف دیگر هند یک کشور مهم از نظر کشاورزی در جهان محسوب می‌شود. هند بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان از نظر شیر، حبوب، ادویه‌جات و ترشی‌جات بوده و دارنده بزرگ‌ترین کله گاو جهان (گاومیش) و همچنین بزرگ‌ترین منطقه تولید گندم، برنج و پنبه در دنیاست. دومین تولیدکننده بزرگ برنج، گندم، پنبه، کشکد، ماهی پرورشی، گوشت گوسفند و بز، میوه، سبزیجات و چای است. این کشور دارای ۱۹۵ میلیون هکتار زیر کشت که در حدود ۶۳ درصد دیم هستند، (در حدود ۱۲۵ میلیون هکتار) و در حدود ۳۷ درصد کشت آبی است (حدود ۲۰ میلیون هکتار). علاوه بر این، جنگل در حدود ۶۵ میلیون هکتار مساحت هندوستان را پوشش می‌دهد. دولت هندوستان برای ارتقا و توسعه پایدار بخش کشاورزی و روستایی، مقابله با چالش‌های بخش کشاورزی و روستایی و حضور قدرتمندتر در بازار جهانی از ابزارهای مختلف سیاستی استفاده می‌کند، از یکی از چالش‌های بخش کشاورزی هندوستان، کوچک‌مقیاس‌بودن آن است به‌طوری‌که در سال ۱۹۷۱ میانگین سطح زیر کشت حدود ۲.۳ هکتار بوده که این رقم به ۱.۳ هکتار در سال ۲۰۰۱ رسید. کوچک‌بودن اراضی، موضوعات توسعه پایدار کشاورزی و روستایی را با چالش مواجه می‌کند. یکی از این موضوعات مدیریت آب است. هند به دلیل جمعیت زیاد برای شرب و فعالیت‌های اقتصادی (صنعت، خدمات و کشاورزی) نیازمند مدیریت آب است. در بخش کشاورزی، آب یکی از عوامل تولید است. توسعه آبیاری و مدیریت آب برای بالابردن سطح زندگی در مناطق روستایی بسیار مهم است. از سوی دیگر بخش کشاورزی برای تأمین آب مورد نیاز خود با بخش صنعت و مصرف شرب خانوار رقابت داشته و نیازمند مدیریت آب در بخش کشاورزی است. در بخش کشاورزی، کشاورزان خرده‌پا در مقایسه با کشاورزان بزرگ دسترسی کمتری به کانال آب در مزارع خود دارند که این موضوع مشکل آب در آینده است. ازاین‌رو برای بهبود منابع آب و مدیریت آبیاری و زهکشی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شده است. راهکارهای متفاوتی برای افزایش بهره‌وری آبیاری در نظر گرفته شده است. انتقال آب از طریق لوله‌کشی، استفاده از کانکس‌بم‌های کارآمدتر آبیاری مانند آبیاری قطره‌ای و مدیریت بهره‌برداري استفاده از آب‌های زیرزمینی از جمله این اقدامات است. دیگر اولویت‌های اصلی برای مدیریت آب در بخش کشاورزی عبارت‌اند از: ۱) به‌کارگیری آبیاری و زهکشی مدرن و مشارکت‌دادن کشاورزان و سازمان‌های دیگر در مدیریت آبیاری؛ ۲) بهبود هزینه‌های احیا؛ ۳) توجیه هزینه‌های عمومی و دولتی با اولویت انجام طرح‌های با بیشترین بازده؛ ۴) تخصیص منابع کافی برای انجام عملیات تعمیر و نگهداری برای پایداری سرمایه‌گذاری در بخش آب؛ ۵) تریخچه سرمایه‌گذاری در آب که به زمان استقلال هند می‌گردد، هم در بخش دولتی (کانال آبیاری) و هم خصوصی (لوله‌کشی از چاه) صورت گرفته است. سرمایه‌گذاری آبیاری باید بر تغییر فناوری‌هایی مانند بارانی و آبیاری قطره‌ای و جمع‌آوری آب باران تمرکز یابد. به منظور تسهیل در این تغییر و به‌کارگیری فناوری‌های جدید آبیاری برای اعطای «وام زیرساخت» (درحال‌حاضر به کانال آبیاری) اقدام شده و هزینه دولت مرکزی و ایالتی درخصوص آبیاری کوچک افزایش یافته است. مطالعه‌ای که روی وضعیت یارانه بخش کشاورزی در هندوستان شده، نشان می‌دهد یارانه دولت برای آبیاری از ۳۹۹.۱ کروڑ روپیه در سال ۱۹۸۱ میلادی به رقم ۱۴۷۱۱.۷ کروڑ روپیه در سال ۲۰۰۱ بالغ شده است؛ یعنی در این ۲۰ سال حدودا ۳۶ برابر شده است. در برنامه پنج‌ساله اول توسعه هند تا برنامه دهم آن برای آبیاری، یارانه پرداخت شده که مجموع آن ۱۰۱ برنامه یعنی ۵۰ سال در حدود ۲۲۸۲۵۲.۷ کروڑ روپیه است (Dr. B. Deshmush، ۲۰۱۲). اطلاعات نشان می‌دهد بخشی از تأمین مالی مدیریت آب در بخش کشاورزی از سوی دولت و به صورت برنامه مدون در طول زمان و مستمر و پایدار برای دستیابی به اهداف مشخص بوده است.